

# درد پر شور به طبقه کارگر فرانسه و پیشاهنگ آن حزب کمونیست

که در راه تحقق خواسته‌های اقتصادی و سیاسی، دموکراسی و سوسیالیسم با آگاهی و استواری مبارزه میکنند!

دوره ششم، شماره سی و نهم

خرداد ماه ۱۳۴۷

خوانندگان ماهنامه مردم: دفاع دلیرانه رفیق آصف رزم دیده، کارگر عضو حزب توده ایران را در صفحات ۳ و ۴ و ۵ این شماره بخوانید.

ماهینامه

# مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران

## نامه عده‌ای از زندانیان سیاسی بکنفرانس جهانی حقوق بشر

تجاوز علنی و خشن امپریالیسم مواجه میشود. رژیم‌های ضد دموکراتیک و فاشیستی و نظامی هنوز در خیلی از کشورها حکومت میکنند و این قابل تأسف است و ممکن است باعث تعجب شما شود وقتی مطلع شوید و ملاحظه نمایید که در ایران در کشوری که میزبان جلسه جهانی حقوق بشر است، حقوق اساسی و ابتدائی مردم و خیلی از مواد اعلامیه حقوق بشر نقض شده است.

در ایران برخلاف ماده ۹ اعلامیه حقوق بشر، میهن پرستان و آزادیخواهان از حق آزادی بیان، آزادی قلم و آزادی اجتماع آزادی عقیده محروم اند، برخلاف ماده ۲۱ مردم ایران حق ندارند در امور کشور خود دخالت نمایند، سازمانهای دموکراتیک و ملی اجازه ندارند آزادانه فعالیت نمایند و اعضای آنها را زندانی میکنند و برای آنکه «جرم های» انتسابی را قبول کنند تا حد مرگ دنباله در صفحه ۶

از زندانیان سیاسی باتفاق مردم ایران بشما خیر مقدم میگویی و تشکیل کنفرانس جهانی حقوق بشر را قدمی مثبت در راه تحقق حقوق بشر تلقی میکنیم.

متأسفانه، گرچه ۲۰ سال از تاریخی که اعلامیه حقوق بشر اعلام شده است میگذرد هنوز در بسیاری از نقاط جهان حقوق مردم زیر پا گذاشته میشود. خارجیان در آفریقا، حقوق مردم آفریقا را پایمال میکنند و آنها را تحت فشار میگذارند و شکنجه میکنند، در آمریکا و برخی از کشورها تبعیض وجود دارد و مردم آزادیخواه در آسیا و آفریقا، اقیانوسیه و امریکای لاتین از مظالم استعمار طلبان رنج میبرند و نمیتوانند سرنوشت خود را، خود آزادانه تعیین نمایند. هنوز قسمتهای زیادی از جهان مستقیم یا غیر مستقیم زیر یوغ استعمارچیان قرار دارد، هر ملتی که بخواهد استقلال خود را بدست آورد و برای گرفتن حقوق خویش بیاخیزد، مانند مردم ویتنام با

جناب آقای اوتانت، دبیر کل سازمان ملل متحد و نمایندگان محترم کنفرانس جهانی حقوق بشر! ما امضاءکنندگان زیر، زندانیان سیاسی قصر «تهران» از طرف خود و عده ای

## ما برای وحدت عمل آماده بوده ایم و هستیم

آنچه که بویژه در این اعلامیه مورد توجه است، نتیجه درستی است که از مطالب گفته شده آغاز میگردد، اعلامیه سازمانهای جبهه ملی در اروپا در این زمینه چنین می نویسد: «بخطرات نجات بندهای جدید استبداد در ایران و بنا به مجموع ملاحظات فوق. سازمانهای جبهه ملی ایران گشودن جبهه وسیعی را در جهت دفاع از دستگیرشدگان اخیر لازم میدانند.

ما نه فقط خود از امکانات و وسائلی که در اختیار داریم در این جهت استفاده خواهیم کرد، بلکه شرکت در این مجاهدت عادلانه را بر همه سازمانها، گروهها و افراد آزادیخواه و میهن پرست در داخل و خارج از کشور واجب میدانیم و از همه نیروها دعوت می کنیم که در سازمان دادن بیک کوشش و اقدام همگانی در این راه با ما همگام شوند.» (تکیه روی کلمات از ماست - مردم) دنباله در صفحه ۶

اخیراً «سازمانهای جبهه ملی ایران در اروپا» بواسطه موج تازه تضییقاتی که از طرف رژیم استبدادی در مورد عده ای از آزادیخواهان و مبارزان اعمال شده است، اعلامیه ای نشر داده است. در این اعلامیه پس از ذکر آنکه «سازمان امنیت به دستگیری بیش از ۱۳۵ نفر از دانشجویان و عده کثیر دیگری از آزادیخواهان و جوانان مبارز کشور... دست زد» نوشته شده است: «مطابق اخبار موثق جلادان سازمان امنیت، دستگیرشدگان را طبق معمول تحت شکنجه ای شدید قرار داده اند و نسبت به چند تن از آنان و از جمله آقایان بیژن جزینی، سورکسی، حسن ضیاء ظریفی، مجید احسن، محمد عسکری، از هیچ عمل وحشیانه ای خودداری نکرده اند تا آنجا که جان آقایان جزینی و ظریفی در خطر است... اعلامیه جبهه ملی در ارویاعلت واکتسهای خشن رژیم را بیموی از گسترش و اعتلاء نوین جنبش دموکراتیک جوانان و جنبش آزادیبخش کشور در مجموع خود در یکسال اخیر» میدانند و می نویسد: «سران

## کنفرانس حقوق بشر در تهران پایان یافت

تفوق نژادی، پایان دادن به تجاوز و جنگ در جوامع بشری، مبارزه علیه یسواد، از بین بردن عدم تساوی حقوق زن و مرد، حمایت خانواده و کودک و خلع سلاح که عالیترین هدف انسان هاست... و سپس این روزنامه اضافه میکند که: «در پایان اعلامیه تهران کنفرانس از کلیه ملل و دول خواسته است که تمام هم خود را مصروف بزرگداشت اعلامیه حقوق بشر و تعالی بشر و رفاه جسمی اجتماعی و معنوی آن نمایند.»

کنفرانس حقوق بشر که از دوم اردیبهشت در تهران تشکیل شد روز ۲۳ همان ماه با صدور اعلامیه ای بنام «اعلامیه تهران» پایان یافت. این اعلامیه دارای یک مقدمه و ۱۹ ماده است که روزنامه کیهان خلاصه مواد آنرا اینطور نقل میکند: «لزوم تفاهم مشترک میان مردم جهان، احترام بحقوق مسلم فرد در جامعه، مبارزه علیه تبعیضات نژادی، محو کلیه ایدئولوژی های مبنی بر



خلق قهرمان ویتنام، قهرمانان از استقلال میهن خویش در برابر امپریالیسم تجاوزکار آمریکا دفاع میکنند.

بطوریکه معلوم است حزب ما ضمن اعلامیه ای، مدتها قبل از تشکیل کنفرانس آمادگی خود را برای همکاری و وحدت عمل با تمام نیروهای ملی و سازمانهای اجتماعی قطع نظر از عقاید سیاسی آنها برای مبارزه مشترک، منظور افشای ریاکاری رژیم دیکتاتوری ایران که کنفرانس حقوق بشر را به کشوری کشانده که در آن ابتدائی ترین حقوق انسانها پایمال میشود، اعلام داشت و طریق مشخص افشاگری را نشان داد. حزب ما تا آنجا که در قدرت او بود بوسیله صدور اعلامیه ارسال اعتراض نامه بسازمان ملل، پخش گفتارهای افشاگرانه از رادیو بیک ایران و انتشار مقالات در نشریات حزبی، کوشش نمود که اعضای کنفرانس را از وضع واقعی میهن ما آگاه سازد. حزب ما با آنکه با

بقیه در صفحه ۲

### کنفرانس حقوق بشر در تهران پایان یافت

واکنش مناسبی در مقابل پیشنهاد وحدت عمل از طرف سایر نیرو های ملی و ضد رژیم رو برو نشد، با وجود این اقدامات و اعتراضات آنها را در این زمینه بوسیله رادیو بیگ ایران با اطلاع مردم رساند. در آستانه تشکیل کنفرانس کلیه اعتراضاتی که از طرف سازمان های مختلف در مورد انتخاب تهران بعنوان محل تشکیل کنفرانس بعمل آمد از جمله اعتراض نامه های کنفرانس یون دانشجویان ایران در خارج، سازمان سوسیالیستی آموزشگاه های عالی مونیخ، سازمان دانشجویان لیبرال آلمان غربی در مونیخ و اعتراض کمیته دفاع از زندانیان سیاسی ایران را که با شرکت شخصیت های معروفی مانند (سارتر) در فرانسه وجود دارد، از بیگ ایران بخش نمود. اما بدون تردید تأثیر این فعالیت ها بر مراتب بیشتر و مبارزه بدرجات دامنه دارتر و تمرینش ترمیندا گران اقدامات جدا گانه متمرکز و جریان مبارزه از طرف یک مرکز که نماینده تمام نیرو های دموکراتیک باشد رهبری میگردید.

اینک که کنفرانس پایان یافته میتوان بهتر مقاصد پلید و موزیانه حکومت ایران را فاش کرد. بدون تردید تشکیل این کنفرانس و کنفرانس های مشابه آن از قبیل کنفرانس مبارزه با بیسوادی یونسکو در تهران، هزینه های سنگینی بودجه کشور تحمیل میکند، و زحمت زیادی برای دستگاه های دولتی ایجاد مینماید. اما چه نفعی بجان کشور دارد؟ شکی نیست که در شرایط و اوضاع و احوال کنونی ایران نباید گفت هیچ سودی که نیست بجای خود زیانهم دارد. زیرا بحساب جیب مردم ایران حکومت دیکتاتوری پرده ای از ریا و تزویر بر چهره کریم خود میکشید و بخصوص شاه بسیار «دموکرات» و «مردم دوست» ایران فرصت پیدا میکند که با وازونه کردن حقیقت بر محراب و منبر اینگونه کنفرانس ها جاوه گیری کند و افکار عمومی جهان را بسود شخصی خود منحرف نماید، شاه در آغاز کنفرانس بنام رئیس کشور مهماندار پشت میز خطابه رفت و بدون سرزنش وجدانی چنین سخنانی را بر زبان راند: «آنچه در گذشته بجهان تصور و رؤیا تعلق داشت در قانون اخلاقی دنیای ما که در دهم دسامبر ۱۹۴۸ بوسیله مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصویب رسید، جایی طبیعی و عادی پیدا کرد. باین ترتیب بنظر من مفید بلکه ضروری است که در آستانه این کنفرانس بزرگ نه تنها ارزش معنوی و الهام بخش اعلامیه، بلکه نیروی عملی بی انتها و نفوذ همه جانبه و وسیع آنرا خاطر نشان سازیم» و افزود که: «اجرای واقعی و مؤثر عدالت قضائی، تأمین حقوق مدنی و دموکراسی سیاسی همراه با عدالت اجتماعی، تأمین حقوق اجتماعی و دموکراسی اقتصادی، تنها وظیفه ملی هر دولتی را تشکیل

میدهد، بلکه بر ارزش ترین هدیه ایست که هر حکومتی میتواند بجامعه بشری و صالح بین المللی بدهد». براستی اگر آنچه شاهد در گفتار ادعا کرد با واقعیت زندگی جامعه ایران تطبیق مینماید، افتخاری نسبت کشور ما میگردید که در یک مجمع بین المللی بدان بازمیم و دیگران را بداشتن آنچه ما داریم تشویق نمائیم. اما بجای افتخار اینگونه دعای باطل فقط تنگ و رسوائی برای گردانندگان رژیم بیار می آورد نه چیز دیگر. چقدر کوتاه نظرانه است که حکومت گمان بر دبا ارباب مردم در آستانه کنفرانس و با تنظیم برنامه های سرسام آور برای پرس کردن ساعات بیکاری نمایندگان و سانسور شدید مطبوعات، حتی سانسور مذاکرات کنفرانس در مطبوعات ایران، تشدید مقاومت مأموران سازمان امنیت در اطراف محل کنفرانس و مسکن نمایندگان، مانع از آن خواهد شد که آنها از اوضاع داخلی ایران سر در بیاورند. اما انتشار اخبار ذیل نشان میدهد که در دنیای امروز اینگونه چشم بندی ها از اثر افتاده است. هفته نامه تریبون (لندن) ۲۵ آوریل بر اساس خبر واصل از تهران مینویسد: «... حالاً که کنفرانس حقوق بشر سازمان ملل متحد در تهران برگزار میشود، یک موج اختناق جدید در حرکت است. الیگارشوی ایران معمم است و نقشه میکشد که نیرو های سوسیالیست و مترقی مملکت را نابود کند. اخبار و نامه هاییکه از داخل زندان های قرون وسطائی ایران به بیرون قساجاق شده اند، حاکی ازین اند که بسیاری از زندانیان شکنجه شده و مورد اهانت قرار گرفته اند. تقریباً دو ماه پیش چهل نفر بدون ارائه هیچگونه دلیلی از طرف دستگاه باز داشت شدند و اکنون مکان و سرنوشت بیشتر آنها معلوم نیست. یکی از آنها بنام بیژن جزینی فارغ التحصیل فلسفه از دانشگاه تهران، سوسیالیست و عضو جبهه ملی ایران ۶۲ ساعت زیر شکنجه بوده است. یکی دیگر بنام ضیاء ظریفی شدت مجروح شده است. هدایت اله متین دفتری وکیل دادگستری، فارغ التحصیل دانشگاه کمبریج و نوه دکتر مصدق را عصر سوم آوریل دزدیدند (هدایت اله فرزند دکتر متین دفتری رئیس جمعیت رسمی و علمی طرفداران حقوق بشر در ایران است) دو نفر پلیس مخفی در جلو دانشگاه تهران باو نزدیک شده و با زور او را بداخل اتوموبیلشان کشاندند... این نمونه اختناق است که امروز گریبانگیر ایرانیان است...». روزنامه فرانسوی لوموند مورخ ۲۵ آوریل، اعتراض نامه کمیته دفاع از زندانیان سیاسی ایران را که از شخصیت های علمی و فرهنگی برجسته ای مانند ژان پل سارتر تشکیل میشود، منتشر کرد که ما قسمتی از آنرا در اینجا نقل میکنیم: «سازمان ملل متحد نمایندگان دولتهای

امضاء کننده اعلامیه حقوق بشر را در تهران مجتمع میکند. حکومت ایران ابتدائی ترین آزادیها را از بین برده است آزادی بیان آزادی عقیده، آزادی اجتماع، آزادی تشکیل جمعیت، آزادیهای را که قانون اساسی ایران که از لحاظ تئوری هنوز متبوع است، حق مردم شناخته است. بدیهی است که در این کنفرانس از قوانینی که برای تأمین آزادی های فردی و اجتماعی مردم این قبیله کشورها وضع شده و از پیشرفت دموکراسی در آنها سخن بمباله خواهند گشود. سخن از تأمین آزادی و پیشرفت دموکراسی در کشورهای خواهد گفت که در آنها وطن دوستان را میربایند. شکنجه میکنید در دادگاههای نظامی سری محکوم میکنید بقتل میربایند یا در سالوهای دو متر در دو متر بدون آنکه حق ملاقات داشته باشند تن و روانشان را تباه مسازند.» (۱)

نمونه دیگری از «اجرای واقعی و مؤثر عدالت قضائی» کشته شاه از آن بعنوان «وظیفه ملی» سخن بمیان آورد، جریبان معا که دو نفر از رفقای کارگر ما آصف رزم دیده صابر محمد زاده در دادگاه تجدید نظر در بسته نظامی است بطوریکه بتفصیل در مقدمه آخرین دفاع رفیق رزم دیده در این شماره مینویسند، این رفتار را در دادگاه بدون بدون تشکیل رسمی دادگاه بجس های طولانی محکوم کرده اند. آنها را از زندان به «دادگاه» برده و بعضی ورود حتی بدون آنکه اعضاء «دادگاه» بشنوند و رسمیت دادگاه را اعلام کنند، حکم محکومیت آنرا بوسیله منشی محکمه با آنها ابلاغ نموده اند. نامه زندانیان سیاسی زندان قصر که متن آن در همین شماره درج گردیده نمونه دیگری از «اجرای واقعی و مؤثر عدالت قضائی» شاهانه را ارائه میدهد.

هیئت نمایندگی ایران بریاست اشرف پهلوی بتمام نوزده ماده مندرج در «اعلامیه تهران» رأی داد و اشرف پهلوی پس از پایان کنفرانس اعلامیه را «یک سند تاریخی» نامید و در مصاحبه با خبرنگاران داد سخن داد در حالیکه نه فقط هیچکدام از مواد مصوب کنفرانس بلکه هیچکدام از ساده ترین و ابتدائی ترین مواد اعلامیه حقوق بشر در کشوریکه این «شاهزاده خانم» نماینده آنست مراعات نمیشود حکومت ایران ماده مربوط به لزوم محو کلیه ایدئولوژیهای مبنی بر تفوق نژادی و سازمانهای فاشیستی و نژاد فاشیستی را تصویب و باین عمل خود مباحثات میکنند ولی در عمل تمام سازمانهای دموکراتیک و ضد فاشیستی را در هم میکوبند. سازمانی نظیر «بان ایرانسم» را که بر اساس تئوری نژادی و متد سازمانی فاشیستی تشکیل گردیده، بوجود میآورد و کرسیهای شورا و سنارا بدانها اختصاص میدهد. حکومت ایران از تسلوی حقوق زن و مرد، از مبارزه با بیسوادی و جهل، از حمایت خانواده و کودک و احترام بحقوق فرد در جامعه در اینگونه کنفرانسها

### ما به تمهید زندانیان

#### سیاسی: همتی

رفیق آصف رزم دیده روز ۲۹ اسفند به اهواز تبعید شد. رفیق دیگر ما صابر محمد زاده نیز قبلاً بر مشاکی تبعید شده بود. باین ترتیب رژیم شاه، مبارزان سر سخت را که در جنگال درخیم بر او در نیایند، هر روز از زندانی برندان دیگر تمهید میکند. حکومت چو به براز جان، خاوری زاهدان، پیرزوی به خرم آباد، اواسیان به کرمان و معتضدی به بندر عباس و محمد زاده به رشتا و رزم دیده به اهواز... مبارزانی را که در بندند واکردن تهران باشند، خانواده های آنها ممکن است با آنها ملاقات کنند و گاه گاه غذائی و لباس تمیزی به آنها برسانند. بنقاطی میفرستند، که از هر نوع کمک خانواده معزوم شوند و همسران، کودکان خردسال و مادران پیر خود را نبینند و بقول دادستان ارتش «آنگاه در زندان بمانند تا از پای درآیند»

#### تصحیح لازم

در سرود چهارم حزبی که در شماره پیشین طبع شده متأسفانه چند اشتباه رخ داده است. در بند دوم مصراع سوم باید خوانده شود: «مهر آزادی رسم و راه ماست» (و نه: «راه و رسم ماست»). در بند سوم مصراع دوم باید خوانده شود: «دیو استبداد» (و نه: «دیو استبداد»). در همان بند مصراع چهارم باید خوانده شود: «صاحب خاک پاک مین اوست» (و نه: «صاحب اصلی خاک مین اوست»). از آنجا که این اصلاحات در وزن، آهنگ و در معنای درست سرود مؤثر است، لطفاً تصحیح فرمائید.

#### توجه!

بهای کتاب «انقلاب اکبر و ایران» ۸۰ ریال است که در شماره گذشته اشتباهاً ۴۰ ریال چاپ شده است.

بحرف، فقط بحرف، پشتیبانی میکند و خود را بصورت گربه عابد نشان میدهد ولی لازم بشکرار نیست که از سایه سر عمل حکومت هنوز زنان در کشور ما از حقوق برابر با مردان محرومند، هنوز ۸۰ درصد از مردم ما بیسوادند، هنوز از کودکان و مادران کمترین حمایتی نمیشود و هنوز کمترین حمایتی از حقوق افراد عمل نمیاورد. بهر حال کشاندن این کنفرانس و نظائر آن بتهران جزئی از نقشه کلی رژیم برای پوشاندن ماهیت ضد ملی و ضد دموکراتیک خود میباشد. وظیفه تمام نیرو های مترقی مین ما افشای این سیاست و برهم زدن اینگونه نقشه های مزورانه است که حزب ما با سر بلندی آنرا انجام میدهد.

(۱) ترجمه های تریبون و لوموند از خبرنامه جبهه ملی ایران نقل گردید.

# آخرین دفاع رفیق آصف رزم دیده در دادگاه تجدید نظر نظامی



رفیق آصف رزم دیده

دفاع دلیرانه ای که در دادگاه درسته تجدید نظر نظامی ایراد شده و ذیلا متن آنرا میخوانید. معنی یک کارگر انقلابی و با ایمان، رفیق آصف رزم دیده کارگر مطبوعه، منقحی حزب ما در تهران است.

رفیق آصف رزم دیده بهسرا دوست خود رفیق صابر محمد زاده به اتهام ساختگی «قیام و اقدام علیه امنیت و استقلال مملکت» محاکمه شدند و رفیق آصف رزم دیده به شش سال زندان محکوم شده است.

در متن کثیرخواست دادستانی نظامی در باره رفیق آصف رزم دیده چنین میخوانیم: «با آنکه مسئولیت حزبین متهم پرونده از صابر محمد زاده که فرد بالادست او محسوب میگردد کسب میباشد مع الوصف نامبرده نیز از بدو زداشت تعصب حزبی خود را حفظ و در باره حزب توده چنین نظر داده است که حزب مذکور رسالت تاریخی دارد و تنها حزبی است که به پائین ترین طبقه اجتماع تعلق دارد و هدفش تأمین خواسته های زحمتکشان و سازمانده این توده ها است. این طبقه با بنظر قطعی او، فقط و فقط در صورت طرح خواستههای مشروع که در مراحل مختلفه و شرایط مناسب امکان پذیر است بهادف خود خواهد رسید و حزب جز زبان گویا برای طبقه زحمتکش چیز دیگر نیست و خواست حزب خواست جامعه است.»

چنین است بیان کثیرخواست دادستان نظامی. این توصیف کثیرخواست از عقاید و نظریات رفیق آصف رزم دیده، خود بهترین معرف روش او در بازجویی و در دادرسی و سندی است که یک مبارز میتواند بدان افتخار کند.

دفاع رفیق آصف رزم دیده در کنار مذاکرات رفقای دیگر حزبی ما در دادگاههای نظامی نشانه بالارفتن درجه استواری و مقاومت رزمندگان ضد رژیم، روحیه عالی یککارچویانه آنها، درک عمیقشان نسبت به وظائف، آگاهی روشن آنها در مورد مشی حزبی است و سرانجام نمودار آن ریشه های عمیقی است که حزب ما در میان توده های مردم دوانده است.

چنین حزبی را نمیتوان نابود کرد. علیرغم همه ناکامیهای موقت این حزب زنده و پایدار است و بار دیگر بر رأس جنبش مترقی و انقلابی جامعه ما، ویرا بسمت هدف های عالی پیش خواهد برد.

«مردم»

بر این بود و هنوز هم بر این عقیده هستیم که دادگاه باید روی اصل وظیفه مقدسی که بر عهده دارد همه جوانب کار را بررسی کند و متسکی بخود باشد و مستقلا رأی بدهد. در دادگاه بدوی با کمال تأسف چنین کیفیتی مشاهده نشد چون دادگاه تشکیل نگردید زیرا حداقل رسمیت دادگاه اینست که اعضای محترم دادگاه بشنوند و رسمیت جلسه را اعلام کنند. دادستان، وکیل یا وکلای مدافع حرف خود را بزنند و بالاخره به متهم اجازه بدهند حرف خود را صحیح یا ناصحیح، مستدل یا غیر مستدل بزنند. عبارت دیگر محکمه از نظر حفظ ظاهر امر هم شده تشکیل بشود. در مورد ما چنین تشریفاتی بعمل نیامد بدین معنی صبح روزیکه ما را بعنوان طرح آخرین دفاع بدادگاه میآوردند اولیاء زندان شماره ۳ قصر متن دفاع ما را گرفته و حتی یک کلمه و یک نامه چندسطری هم که ما بتوانیم با خود بدادگاه ببریم مقبور نبود و این بیاداست که هر یک از ما دو نفر که کارگر ساده و حدود اطلاعات علمی ما از دبیرستان تجاوز نمیکند و اهل نطق و بیان

هم نیستیم چگونه و بچه ترتیب میتوانیم از خود دفاع کنیم. خلاصه وقتیکه وارد دادگاه شدیم قبل از بیان هر صحبتی جریان را بعنوان اعتراض و شکایت بارتیس دادگاه که مرجع صالحی بود در میان گذاشتیم واز وکیل مدافع جدا تقاضا کردیم که ترتیبی بدهد و اوراق و دفاتر ما را از زندان مطالبه کند و در اختیار ما بگذارد تا فراتر بشود و هیچکدام از آقایان حاضر در دادگاه کمترین حرفی نزدند و کوچکترین ترتیب اثری بعرف ما ندادند و بشافه دو سه دقیقه نامه محکومیت ما را مانند یک حکم اداری و یک برگه ابلاغیه که قبلا حاضر و آماده شده بود وسیله منشی بنا ابلاغ کردند و هر یک بی کار خود رفتند. ما هم مانند فردی متحیر کمی بدر و دیوار نگاه کردیم و مجددا باقائمگناه خود یعنی زندان وارد شدیم. این بود جریان تشکیل دادگاه بدوی ما و نقش وکیل مدافع و نتیجه قضاوت آقایان قضات دادگاه. حال من نمیدانم آیا این جریان را میتوان نام دادگاه گذاشت و بر آن رسمیت قائل شد و این محکومیت را پذیرفت یا خیر؟ و آیا دادگاهی که اکنون ما را دعوت کرده است در حقیقت همان دادگاه بدوی است یا خیر؟ باید بان بچشم دادگاه تجدید نظر نگاه کرد؟ در هر حال اگر اعتراض ما مورد قبول واقع نگردید همان دادگاه بدوی تشکیل شده است که ما وظیفه دیگری داریم و اما اگر دادگاه تجدید نظر در حقیقت آخرین مرجع است که باید سرنوشت ما را تعیین نماید پس اجازه فرمائید تا حرف خودمان را به تفصیل بزنیم و آنچه را که بنظر میآید بعنوان آخرین دفاع بگوئیم و سپس بانتظار صدور نتیجه رأی بشنیم.

در کثیرخواستی که علیه اینجانب و متهم دیگر حاضر در دادگاه تنظیم شده میویسد: بزه انتسابی بدو نفر متهمان مجرز و مسلم و در درجه جنایت میباشد عمل آنها منطبق است با ماده یک قانون مقدمین علیه امنیت و استقلال کشور و باین ترتیب ما را از سه سال تا ده سال زندان محکوم کرده اند. مقدمتا باید عرض کنم که منم مثل همه افراد مملکت معتقدم که نظم جامعه بدون وجود قانون مقدر و امکان پذیر نیست - وقتیکه نظم نباشد همه در انتخاب راه و رسم زندگی سرگردانند. بنا بر این قانون برای جامعه لازم و مقدس است. حال میخواهم بدانم که قانون و علت و منشأ آن از کجاست؟ چگونه بوجود میآید و در چه صورتی باید اجرا شود و کیفیت اجرای آن چگونه است و چگونه باید باشد. البته قصدم این نیست که در این باب وارد کلیات مطلب بشوم و به تجزیه و تحلیل امر بپردازم اما همینقدر میخواهم عرض کنم وقتیکه میگویند هر جامعه در هر مرحله ای که قرار دارد حیات آن بر اساس قانون استوار است - برای اینست که قانون روش زندگی است و از جامعه برخاسته و همیشه و در همه حال مافوق زمام داران و حتی سلاطین است. اکثر فلاسفه میگویند که سلطان و زمامدار نه تنها مافوق قانون نیست بلکه مطیع قانون است و باز

میگویند که قانون - قانون جامعه است نه قانون عدهای بخصوص و یا دستگاه بخصوص. امپراطوران رم حتی تصدیق میکردند که باید مطیع قانون باشند و وزن و اعتبار خود را در سایه قانون میجستند. حال از انواع قانون و کیفیت تصویب آن بگذریم میخواهم ببینم و بدانیم کشته چرا و بچه علت دسته دسته و گروه گروه از افراد مملکت ما را با رتکاب عمل غیر قانونی و یا تخطی و تجاوز از قانون متهم میکنند. بعلاوه مسئله اطاعت از قانون چگونه و بچه ترتیب و تا چه حدی میباشد و اصولا چرا و چه موقع مردم موظف با اجرای قانون و اطاعت از آن هستند. نظرهای زیادی در این باب است که از بحث همه آنها صرف نظر میشود خلاصه آن اینست که عده ای در این باره میگویند مردم باید مطیع قانون باشند مگر در موردیکه قانون تضاد با قوانین بالا تر مانند قانون الهی یا فوق طبیعی که مسلما آزادی عقیده، بیان، قلم، مذهب، فلسفه و سیاست که جزء آنست داشته باشد. دسته دیگر عقیده دارند که قانون را باید اجراء کرد مگر در مواقعی که برحسب قضاوت جامعه، عدم اطاعت آن ارزش بیشتری و بهتری برای جامعه داشته باشد و باعث ترقی و سعادت و بیداری جامعه باشد. مهمتر از همه اینها قانون هو قومی باید اجراء شود و اطاعت گردد که وجدان باطنی افراد صحت و عدم نقض آنرا تأیید نماید. عبارت دیگر وقتیکه قانون مورد قبول وجدان فرد واقع نگردید و شایسته و کافی بنظر نرسید، الزامی به اطاعت آن ندارد و میتوان آنرا کانام یکن تلقی نمود. شادروان دگر ترقی از این باب میگوید: «فقط آن قانون مقدس است که حافظ منافع توده باشد». خلاصه اینکه از طرف مدعیان و مجریان اجزای آن نیز لاقابل محترم و معتبر شمرده شود و بدون تغییر و تبدیل رعایت گردد. برای روشن شدن مطلب مثالی میزنم و شاهد زنده ای را ارائه میدهم و انتظارم اینستکه دقیقاً توجه فرمائید: همه شما میدانید که از سالها قبل کشت خشکشا و بطور کلی مصرف و خرید و فروش مواد مخدره بخصوص تریاک و مشتقات آن برابر مواد قانون ممنوع اعلام شده است و باز میدانید که وارد کردن تریاک از خارج بفرنجوی از انحاء تحت هر عنوانی غیر قانونی و این کار بوسیله افراد عادی مقدر نیست و یک شخص نظیر من و حتی شما ها قدرت ندارد ذره ای مواد مخدره از خارج وارد کند. حال بمن فرمائید تریاک بصورت کیلو، من، خرورار و حتی تن بچه وسیله و چگونه در بین مشتکی از افراد مملکت ما توزیع میگردد؟ در نتیجه زندانها از فروشنده و خریدار و بالاخره مصرف کننده هر دوین و غیره پر شده است؟ مثال دیگری عرض میکنم چندنی قبل جشنی که مناسبت آنرا در نظر ندارم در زندان تشکیل میشود و دادستانی کل ارتش در حضور جمعی زندانی و غیر زندانی صریحا ضمن بیان مشروع خود میگوید ما شما را به این دلیل باینجا آورده ایم و زندانی کرده ایم که دیگران به بینند و عبرت بگیرند و دنبال دنباله در صفحه ۴

تیمسار ریاست محترم دادگاه! قضات ارجمند!

پرونده ام را مسلماً مطالعه و بررسی کرده اید. از ابتدا تا انتهای آن تنها یک مطلب بچشم میخورد و آن اعتراف صریح من به عضویت در حزب توده است. آقایان هم بدون شک در طول چند سال قضاوت به متهمینی نظیر و مشابه برخورد کرده اید، مطالب زیادی از طرف متهمین در رد یا قبول اتهاماتشان شنیده اید. اما آنچه که من در این مقدمه میخواهم عرض کنم در مورد اتهام و بطور کلی در باره پرونده مربوطه نیست، بلکه مطلبی است که نه تنها برای من متهم حتی برای خود شما قضات هم تازه گی دارد و شاید تا اکنون بچنین مطلبی اصولا برخورد نکرده باشید. چون اولین بار است گرفتار میشوم از کیفیت تشکیل دادگاههای نظامی و نحوه قضاوت آنها و اینکه در مورد متهمین تا چه حد رعایت اصل بیطرفی اجرا میشود هیچگونه اطلاعی ندارم و آنچه را که در خارج - افکار عمومی قضاوت میکرد و شنیده میشد برای من باور کردنی نبود، زیرا عقیده ام

## آخرین دفاع رفیق آصف رزم دیده در دادگاه تجدید نظر نظامی

ماجرایها و سر و صدا های سیاسی نگردند. وی بسختان خود چنین ادامه میدهد آندسته از زندانیان که جوان هستند و قدرتی دارند آنها را آفتاب در زندان نگه میداریم تا پیرو علیل و فرسوده شوند و سپس از زندان بیرون بروند. دسته دیگری که نسبتاً پیر و سالخورده هستند آفتاب خواهند ماند که جنازه آنها از زندان خارج گردد. این حرف کاملاً درست است و بهین ترتیب از سالها باین طرف اجرا میگردد. اما وجدانا آقای رئیس دادگاه و قضات محترم از شما که تحصیل کرده و حقوقدان هستید میرسیم مگر زندانی کردن افراد یا استغلاص آنها و بالاخره استفاده از عفو و غیر آن نباید تابع قانون و آئین و مقررات خاص باشد؟ بمن بفرمائید اگر این رویه که دادستانی ارتش در پیش گرفته است و اجرا میکند درست است پس تکلیف قانون چیست؟ قانون چکاره است؟ کجاست؟ چرا اجرا نمیشود؟ و اگر شکستن و عدم اجرای قانون جرم است پس چه کسی میتواند مجرم و متخلف را تحت تعقیب قانونی قرار دهد؟ آقای رئیس دادگاه! قضات محترم! آیا این است معنی و ارزش واقعی وجود قانون؟ موارد زیادی از این قبیل قانون شکنیها،

بیعدالتی ها، بی بند و بارها در کشور ما وجود دارد که من از گفتن آنها خودداری میکنم زیرا خوشبختانه شما همه مال این مملکت و مربوط به این آب و خاک هستید و در جریان قرار دارید و خوب میدانید که چه میخواهم بگویم حال برگردیم باصل مطلب، اولاً در مورد غیر قانونی بودن دسته و

جمعیتی با رویه و مرام اشتراکی، اطلاع دارید باصطلاح قانونی که در این باب وضع شده مربوط به سالهای قبل از حادثه ۱۳۲۰ یعنی خرداد ۱۳۱۰ است که ماده ۶۰ قانون جزا نسخ شده و ماده یک و دو جانشین آن گردیده است من این دو ماده را عیناً یکبار دیگر قرائت میکنم زیرا جان مطلب در همین جاست و همه اسرار در همین یک دو جمله نهفته است. ماده ۱ هر کس در ایران بهر اسم و یا عنوان دسته یا جمعیت یا شعبه جمعیتی تشکیل دهد و اداره نماید که مرام و رویه آن ضدیت با سلطنت مشروطه ایران و یا رویه یا مرام آن اشتراکی باشد و یا عضو دسته یا جمعیت یا شعبه جمعیتی شود که با یکی از مرامها یا رویه های مزبور، در ایران تشکیل شده باشد. ماده ۲ هر ایرانی که عضو دسته یا جمعیت یا شعبه جمعیتی باشد که مرام یا رویه آن ضدیت با سلطنت مشروطه ایران یا مرام یا رویه آن اشتراکی است، اگرچه جمعیت یا شعبه در خارج تشکیل شده باشد. منتهی در این مورد بخصوص که مربوط به سرنوشت من و رفیق منست اندکی بیشتر توجه فرمائید. در آن موقع همه میدانند که هسته اصلی سوسیالیستی و بالآخره ایدئولوژی مارکسیسم - لنینیسم بصورت یک نقطه کوچکی ابتدا در کشور شوروی رسید و بنیان گذاران و پیشروان این ایدئولوژی

وجود آمد. جهانیان در آن عصر بدان با دیده ابهام آمیزی نگاه میکردند. جهان سرمایه داری بخصوص کشورهایی که رژیم آنها بر پایه استعماری و امپریالیستی مستقر بود پیشرفت و گسترش ایده تئولوژی علمی را طبعاً مانع سود جوئی و سدراه خود تشخیص دادند و آشکارا و پنهانی با آن به مبارزه برخاستند. رژیم آن زمان ایران هم خواهی نخواهی از آنها پیروی کرد و هیأت حاکمه و حکومتهای وقت که از مشتاقان فئودال و خوانین و شاهزادگان خواب آلود و بی اطلاع تشکیل میشد تصویب و طرح چنین قانونی را برای حفظ موقعیت و ادامه تسلط جابرانه خود لازم دیدند. باین ایده تئولوژی که در قدم اول خود تمام سنن و قرار داد های زندگین تزار را در مورد ایران لغو کرد و زیر پا گذاشت با دیده شک و تردید نگاه میکرد. اما امروز تئوری مارکسیسم - لنینیسم بصورت یک پدیده جهانی در آمده - دنیای دور و نزدیک و ملل پیشرفته و در حال رشد با آغوش باز آنرا میپذیرند و یکی بعد از دیگری بان میگردند آنها در کشور اتحاد جماهیر شوروی و چین بیش از ۹۰۰ میلیون نفر بقاصه کوتاهی بان گرویده و از آن پیروی مینمایند آیا اصولاً صحیح بنظر میرسد که ما در چنین عصر و زمانی نسبت به مارکسیسم مانند نیم قرن قبل فکر کنیم و با دیده ۵۰ سال پیش بدان بنگریم و پیروان آنرا متهم کنیم باینکه اقدام بر علیه امنیت و استقلال کشور خود میکنند؟ مگر آنها همان پیروان مکتب مارکسیسم - لنینیسم نبودند و نیستند که برای حفظ آزادی و استقلال کشور خود و نیز رهائی دیگر کشورهای از ستم فاشیسم در برابر هجوم وحشیانه ارتش هیتلری سینه سپر کردند و میلیونها تلفات دادند؟ درست توجه فرمائید در کشورهایی که پس از جنگ دوم جهانی تا کنون زنجیر بیرحانه استعمار را یکی پس از دیگری گسسته و با استقلال نائل آمده اند، در صف مقدم آنها چه کسانی قرار دارند شیفتهگان آزادی و پیشروان نهضت های ملی در اکثر کشورهای تازه استقلال یافته چه کسانی هستند. در الجزیره، کره، عراق، کنگو هم اکنون در ویتنام چه کسانی در برابر نیروی مهاجم امپریالیسم امریکا با آن سلاح مدرن و وحشتناک در برابر آزادی و استقلال کشور خود شجاعانه می ایستند و جان شیرین خود را در کف گذاشته در خون خود غوطه میخورند. واقعاً بی انصافی نیست اگر کسی بخواهد آنها را متهم باختلال در امنیت کشور نماید؟ حال برگردیم در مورد اتهام خودمان. میگویند عضو حزبی هستیم که منحل و غیر قانونی اعلام شده است باید بدانیم که چرا حزب توده ایران منحل و غیر قانونی اعلام شده و چه کسانی اینکار را کرده اند. بد نیست شما هم باین واقعیت توجه فرمائید. باز برای اینکه وارد جزئیات مطلب نشوم و مطلب بطول نیانجامد از ذکر تاریخچه کیفیت مبارزات

ملی و نقشی را که حزب ما در بیدار کردن مردم و بوجود آوردن جنبشهای ضد امپریالیستی داشته است صرف نظر میکنم و وارد جزئیات امر نمیشوم. اما همه ما خوب بخاطر داریم که حزب توده ایران در بین قشر های مختلف مملکت ما ریشه دوانده است و بر خلاف میل باطنی و علیرغم کارشکنیها و سمایشهای دشمنان خارجی و عمال داخلی آنها در سالهای قبل از ۲۷ بتدریج داشت اوج میگرفت و بخصوص مبارزات امپریالیستی و شعار های صلحجویانه آنرا مردم همه پذیرفته بودند. برای اینکه بهانه ای بمنظور جلوگیری از توسعه آن بدست آورند در سال ۲۷ حادثه ۱۵ بهمن دانشگاه را بوجود آوردند و روشن است که حزب ما هرگز در صدد بوجود آوردن چنین صحنه هائی نبوده و از این قبیل حوادث بطور کلی نفرت داشته است. بر همه روشن است که حادثه آفرینی و کودتا سازی از نظر حزب ما همیشه مردود بوده است. بهر حال خوشبختانه حوادث بعدی بخوبی پرده از روی راز و معما برداشت تا جائیکه رئیس مملکت در یکی از سخنرانیهای خود بصراحت اشاره میکند که همسر ضارب من در سفارت انگلیس کار میکرده است و انتساب فرد ضارب و سوء قصد کننده به سازمانهای غیر حزب توده ایران بعد ها مسلم میشود. در خلال این جریان وزیر کشور وقت که همه افراد مملکت بخوبی او را میشناختند و بخصوصیاتش تا حد زیادی واقف هستند، طرحی در هیئت وزراء میرد و برای جلب رضایت اربابان خود حزب توده ایران را منحل و غیر قانونی اعلام میدارد، اما با وجود این در پیشرفت و توسعه حزب کمترین اثری نمیکند و حزب همچنان پایگاه خود را در میان مردم حفظ مینماید. کودتای نظامی سال ۳۲ نقشه سال ۲۷ را تکمیل میکند و متعاقب آن کشتار شدید براه میاندازد. چقدر خوب است که شما خودتان نتیجه آن کشتار را بررسی کنید و اندکی تعمق نمایید و ببینید در بین افکار عمومی چه اثری گذاشته است و چگونه عاملین اصلی کشتار، امروز با تمام تجاوز بجان و مال و ناموس مردم و نیز تنظیم گزارشهای خلاف واقع تحت تعقیب قرار گرفته و اموال آنها مصادره میگردد و بعد از آن آنها نیز از طرف مردم عنوان آیشن لقب داده شده است. از این بگذریم، از طرف دیگر حزب همچنان بکارش ادامه میدهد و پیروان آن بتدریج عمیقتر و مؤثرتر بان میگردند. بررسی اجمالی سازمانهایی که از سال ۳۲ تا کنون مرتباً کشف و افراد آن دستگیر شده اند خود واقعیت امر را روشن میکند، طرف دیگر قضیه اینست که از سال ۲۷ تا کنون هیچیک از دولت های وقت و حتی مجلسین شورا و سنا که همه از کیفیت انتخابات و تشکیل آنها اطلاع دارید در مورد انحلال و غیر قانونی بودن حزب توده ایران کمترین اظهار نظری نکرده اند در تعجب از اینکه تصویب نامه هیئت وزراء در سال ۲۷ آنها با آن کیفیتی که با اختصار عرض شد چرا باید بمنزله آیه آسمانی تلقی گردد و تا دنیا باقی است باید بقدرت خود معتبر و باقی بماند؟ آیا مراجع و مقامات عالیتر و معتبر تر، از آن تاریخ تا کنون

بوجود نیامده که در باره انحلال و غیر قانونی بودن حزب توده نظر بدهد؟ یا لاقلاً آن تصویب نامه را تأیید نماید؟ گذشته از آن این چه تصویب نامه قانونی است که تا کنون هیچکس بدان توجه نکرده و مورد قبول هیچکس واقع نشده فقط کلمه منحل و غیر قانونی بصورت عادت و معمول در زبانها جاری میشود. حال من میخواهم ببینم چه کسانی اصولاً سنگت غیر قانونی بودن حزب توده ایران را بسینه میزنند و چگونه بدین ترتیب فقط منافع و اغراض شخصی خود را تأمین مینمایند؟ قبل از همه آنها سازمان امنیت در اینکار یافشاری دارد این سازمان عریض و طویل نه تنها در مورد حزب توده ایران بلکه در مورد هر سازمان ملی و مهنی دیگر پرونده سازی میکند. سالیان دراز است که در راه مظنون تراشی کار میکنند هر کس را با چشم پر از سوء ظن میگردند و با توجهات عجیب و غریب خود، هزاران بیگناه را با خاک یکسان کرده و دودمانشان را بر باد داده است. با صرف بودجه بی حسابی که در اختیار دارند برای جاسوسی وحشتی بسابقه در کشور ایجاد کرده بطوریکه دو نفر دوست نزدیک بهم جرأت ندارند با یکدیگر آهسته حرف بزنند کار جاسوسی و نقیشت افکار و عقاید تاحدی بالا گرفته که پدر قادر نیست گرفتاریهای روزمره خود را با پسر در میان گذارد. سازمان امنیت همان قانون فجایعی است که به مؤسسه نقیشت و کنترل عقاید قرون وسطائی بیشتر شباهت دارد.

من میخواهم از شما بپرسم که آیا اظهارات انتقاد آمیز چند جوان دانشجو، چند کاسب، چند کارگر، چند کشاورز و جمع شدن آنها بدور هم قیام بر علیه یک حکومت میتواند محسوب شود و صدمه به استقلال کشور وارد آورد؟ قانون، عدالت، وجدان، حقیقت کجا حکم میکنند که آنها گروه گروه، دسته دسته از طبقات مختلف مردم بجرم آزادی خواهی و بیگناه ایره با استعمار مبارزه میکنند و یا افکار و تمایلات دموکراتیک دارند و بالاخره صاحب عقیده مستقل و مشخص هستند و یا از یک ایدئولوژی خاصی متابعت میکنند بشکنجه گامها و زندانها بکشاند و سالها در آنجا نگهدارند و سپس بصورت فردی معلول و دودمان برباد رفته رهانشان سازند و تازه مانند سایه همیشه در تعقیبشان باشند؟ در کجای این مملکت شما کوچکترین اثری از دموکراسی و آزادی مبینند و آیا نامی از باصطلاح آزادی جز در روزنامه های مزدور و دستگام تبلیغاتی رادو جای دیگر میشنوید؟ در کجا و چه وقت آقایان روحانیون حتی برای انجام فرائض دینی نمیتوانند در گوشه مسجد دور هم جمع شوند؟ از بعد از حادثه مرداد ۳۲ تا کنون چه وقت مردم این مملکت توانسته اند در انتخاب سرنوشت خود، در انتخاب نمایندگان مجلسین و حتی در انتخاب انجمنهای محلی کوچکترین مداخله ای داشته باشند و بتوانند اظهار نظر نمایند. همه شما جریان ساختگی کذکره آزاد زنان و آزاد مردان

## آخرین دفاع رفیق آصف رزم دیده در دادگاه تجدید نظر نظامی

ایران میگوید دوستی با کشورها و ملت پیشرفته و نیرومند جهان که در راه صلح و دموکراسی کام بر می دارند ضامن بقا و استقلال ملت ایرانست و طرد امپریالیسم خارجی و عمال داخلی آن ضامن استقلال ماست. تجربه و حوادث سالهای اخیر خوشبختانه نشان داده است که هر متجاوزی که جسارت کند روی یکی از کشورهای خواستار دموکراسی دست بلند کند پاسخ شایسته‌ای از دوستان آن دریافت خواهد داشت.

ما امروز دیگر در دیده اندیشه خود جهانی سرشار از افتخار و شادمانی مینیم جهانی که در آن اندیشه وسعت میبرد و ناامیدی به امیدمی انجامد و بهانه اینکه عملی فلان یا بهمان هدف بیمقدار آسب میرساند بعنوان عملی جنایتبار محکوم نمیشود. آیا منصفانه است در چنین عصری ما را که هدفی جز وطن دوستی نداریم بنام وطن فروشی خیانت، اجنبی پرستی و مخمل آسایش مردم و استقلال مملکت تحت تعقیب قرار دهید و کار ما را بدادگاه بکشانید. آیا اینست مفهوم ماده ۲۲ اعلامیه حقوق بشر که میگوید (هر

کس بعنوان عضو اجتماع حق امنیت اجتماعی دارد) و باز در ماده ۱۱ همین اعلامیه میگوید (آزادی فکر و عقیده یکی از حقوق گرانمای بشری است هر کس مجاز است که آزادانه هر چه بخواهد بگوید، بنویسد، بنویسد و طبع کند) مگر نه اینست که ایران عضو سازمان ملل متحد و اجرای مفاد اعلامیه حقوق بشر را تعهد و ذیل آنرا امضاء کرده است؟ چرا بجای اینکه بتوانیم آزادانه به نشر عقاید خود بپردازیم یا هزار ترس و وحشت اتاق مغزیه ای در گوشه ای بگیریم و تازه مانند سیاه خصم عده ای بریزند تار و پود ما را برباد دهند و مثنی حروف و وسائل انتشارات ما را بگارت ببرند. میگویند اصل

هر ملتی در قدرت اوست هیچ هیئت و هیچ فردی نمیتواند اعمال قدرت و حاکمیتی در مملکت بکند مگر آنکه مخصوصاً از جانب ملت مجاز باشد شما که متکی بقانون هستید و ما با بااستناد قانون رفتار میکنید چرا یکجانبه قضاوت میکنید آیا هر گز از این هیئت و افرادیکه شبانه و گاه بیگاه بخانه های مسکونی مردم میریزند، زن و بچه های آنها را مضطرب میکنند و افراد را از آغوش خانواده چشم بسته و دست بسته میرانند و بشکنجه گاههای انفرادی میکشانند و اموالشان را بگارت میریند هر گز پرسیده اید که از جانب کدام ملت چنین حقی و اختیاری با آنها داده شده است؟ چه وقت از جانب ملت مجاز به اینکار شده اند؟ منبهم قوانین و مقررات جاریه مملکت همه امور مربوط بسازمان ملل و کلیه مفاد اعلامیه حقوق بشر را مکرر خوانده ام، سوگند بحقیقت که هیچک از آنها را مسئولین امور و صاحبان زور و قدرت اجرا و رعایت نمیکند. در هیچ جائی از دنیا، در هیچ رژیم با افراد یک مملکت تا این حد به سختی و خشونت و غیر قانونی رفتار نمیکند.

قانون و مقررات بمنزله یک قطعه لاستیک در دست مشت از متنفذین و شروتمندان قرار گرفته و بهر نحو که بخواهند و بهر طریق که منافشان ایجاب نماید میکشند آزادی طبقه کارگر و وجود کار در مملکت، وجود احزاب مختلف، آزادی مطبوعات، آزادی انتخابات، توجه بقشرهای مختلف زحمتکش مملکت، همه و همه اینها بشوخی و تعارف بیشتر شباهت دارد از حدود حرف و مجامله هر گز تجاوز نمیکند آیا وجود چنین اوضاع و احوالی نمیتواند و نمی باید محرک و مشوق من و دیگران بشود که به نهضتهای دمکراتیک یعنی سازمانهای وابسته به حزب توده ایران بگرویم و بآن عشق بورزیم و نسبت بدان وفادار باشیم؟ در بازجویی از من میپرسند که چرا گفته ام حزب توده ایران رسالت تاریخی دارد و چرا بآن گرویده ام و حتی در ادعایمان باین اظهار من بصورت یک سند جرم تکیه شده و مرا در ردیف مجرمین جنائی قرار داده اند. اولاً من میخواهم بدانم که چرا اساساً در قانون مجازات عمومی ایران فعالیتها تکیه بر مبنای ایده‌ولوژی مارکسیسم-لنینیسم استوار است، بگارت دیگر تشکیل مجامع دمکراتیک را بچه مناسبت جرم شناخته اند و برای آنها مجازات سخت و سنگین در ردیف جرائم جنائی قائل شده اند و این خود تأسف آور است که بیروان چنین مکتبی را منبهم بوظنفرشی و اجنبی پرستی و جاسوسی میکنند و قتیکه باین سلسله مطالب و اتهامات برمیخوریم واقعاً برای من این شک پیش میاید که تمام مردم شوروی، خلق چین، ملل کشورهای سوسیالیستی و حتی عده کثیری از مردم فرانسه، ایتالیا و دیگر کشورهای سوسیالیسم گرویده اند باید جاسوس و اجنبی پرست باشند و من نمیدانم این انسان های مترقی و پیشرفته با جهان بینی علمی بنفع چه کشوری جاسوسی میکنند و کدام اجنبی را میپرستند؟ بنظر منکه یک عضو ساده حزب پیش نیستم و نمیدانم اصولاً فعالیتهای ناچیز مورد قبول پیشگاه حزب و مکتبم واقع بشود یا نشود حزب توده ایران بفعالیت خود ادامه میدهد و خواهد داد و تنها حزبی است که به قشرهای زیرین جامعه وابستگی دارد حزب توده ایران، حزب طبقات زحمتکش یعنی کارگران، دهقانان، پیشه وران و روشنفکران آزادیخواه است. بنا بر این طبقه کارگر که منبهم فردی وابسته بان هستم با سلاح حامی جهان بینی مارکسیسم-لنینیسم مجهز شده و طبعاً در این راه تجارب با ارزش ملتھائی که با بکار بستن این جهان بینی رژیم سوسیالیستی در کشور خود بوجود آورده اند و طبعاً کشور شوروی پایگاه و ذر رأس همه آنها قرار دارد بکار مینند و از آن سرمشق میگیرند. در زمینه سیاست خارجی حزب ما همواره طرفدار همکاری دوستانه با کلیه کشورهای آزادیخواه براساس تساوی حقوق ملل و حفظ صلح جهان بوده است. چنانکه بیرون کشیدن کشورها از اردوی جدک و تجاوز و کشتار و پیوستن به جبهه صلح و دموکراسی جزو اهم برنامه ها و شعارهای حزب ما بوده است. در زمینه سیاست داخلی اولین بار جمعیت ملی مبارزه با استعمار

امروز در تمام دنیا حتی در بین کوچکترین و عقب افتاده ترین ملل اوج گرفته است، سازمان زنان، مداخله دادن زنان در امور جاری کشور، تساوی حقوق زن و مرد، جمعیت ایرانی طرفدار صلح، جمعیت حمایت کودک، همه بوسیله حزب ما بوجود آمده و پایه گذاری شده است. مگر حزب توده ایران نبود که از آغاز تشکیل حزب همیشه گفته است و میگوید قروض دهقانان بملکین بزرگ ارضی را لغو کنید، زمینهای فئودال های بزرگ را مالکین عمده و خوانین را بدون استثناء و الاغرض در بین کشاورزان بی زمین و کم زمین تقسیم کنید و وسائل کشاورزی کافی در اختیارشان بگذارید. مگر حزب توده ایران نبود که میگفت باعمال خودسرانه برخی مأمورین و متصدیان امور خانه دهید و دستگاههای اداری و دولتی را از وجود عناصر ناصالح، سودجو و متجاوز به حقوق و نوامیس ملت تصفیه کنید. چرا امروز بختیارها را که مانند مرغ از قفس پریده اند دنبال میکنند و اعمال و افعال آنها را در جرایم منعکس میکنند؟ سالها پیش از این حزب توده ایران برده از این رازها برداشت تنها گوش شنوا وجود نداشت و از روزنامه اطلاعات دستور توقیف اموال سیهید تیمور بختیار صادر شد، سیهید بازنشسته تیمور بختیار با تمام انحراف، سودجویی و تجاوز بحقوق و ناموس مردم محاکمه خواهد شد. ضمن صدور یک اعلامیه رسمی اداره دادرسی نیروهای شاهنشاهی اعلام داشت که دستور بازداشت و ضبط کلیه اموال بختیار داده شده است. متن اعلامیه بدین شرح است: اطلاعیه اداره دادرسی نیروهای مسلح شاهنشاهی - ضمن بررسی پرونده ها و سوابق موجود در شعب بازپرسی دادستانی ارتش معلوم شد که سیهید بازنشسته تیمور بختیار که زمانی حساسترین مشاغل را در این کشور بعهده داشته و از هسر گونه نعمات این کشور بهره مند شده شخص منحرف، استفاده جو، متجاوز بحقوق و نوامیس اشخاص بوده و از طریق نامشروع اندوخته های بیکرانی بدست آورده است، با توجه با اقدامات اصلاحی و انقلابی مملکت که تحت رهبری شاهنشاه آریا مهر در سالهای اخیر صورت گرفته است بدون هیچگونه ملاحظه و تبعیض کسانیکه بنحوی از انجاء علیه مصالح و منافع عمومی ملت و مملکت اقدام نموده باشند تحت تعقیب قرار گرفته و بکیفر خواهد رسید لذا دادستانی ارتش ضمن جمع آوری دلایل و مدارک کافی که تماماً حاکی از اقدامات سودجویانه و خلاف قانون سیهید بازنشسته تیمور بختیار بوده و معلوم گردیده که وی ضمن تقدیم گزارشات خلاف واقع برای تأمین منافع نامشروع شخص خود از انجام هیچگونه اقدامی فروگذار نکرده است. بدین لحاظ دستور بازداشت کلیه اموال نامبرده صادر و پرونده متشکله مراحل قانونی خود را طی و به کلیه اتهامات منتسب باو در دادگاه رسیدگی و جریان امر بوقوع با استحضار ملت خواهد رسید.»



### ما برای وحدت عمل آماده بوده ایم و هستیم

پس از این دعوت از همه نیروها در داخل و خارج از کشور، در اعلامیه تصریح شده است:

«تجارب چندسال اخیر نشان داده است که در صورت تمرکز نیروهای موجود در جهت صحیح و هماهنگی اقدامات و استفاده درست و کامل از وسائل و امکانات موجود در خارج از کشور میتوان حکومت استبدادی ایران را از انجام بسیاری از توطئه‌ها و تجاوزات بحق مردم بازداشت و از این راه نه تنها به تحکیم حقوق مبارزان، بلکه هم چنین به تحکیم شرایط گسترش مبارزه در داخل کشور کمک رساند.»

(تکیه روی کلمات از ماست - مردم)

ما نمی دانیم تنظیم کنندگان اعلامیه از اشارات مندرجه در عبارات فوق چه تجربه یا تجارب مشخصی را در نظر داشته‌اند، ولی بنظر ما در اینجا صریحاً به عمل مشترک نیروها در دفاع از جان پرویز نیکخواه و یارانش و بجنوردی، حکمت جو و خاوری اشاره شده است و در پس عبارت «وسائل و امکانات موجود در خارج از کشور» نمی توان بیاد نقش برجسته‌ای که در جریان آن مبارزات، رادیوی پیکه ایران ایفاء کرده است نیاختاد.

ما پیوسته برای وحدت عمل با کلیه نیروهای مخالف رژیم در زمینه‌های مختلف مشخصی آماده بوده‌ایم و اکنون نیز آماده هستیم. ما پیوسته در دفاع از حقوق انسانی و مدنی قربانیان رژیم ترور و اختناق با کلیه وسائل خود کوشیده ایم و اینکه نیز میکوشیم. ما پیوسته اسناد و اعلامیه‌های سازمانی را که محتوی آنها بسود مبارز مخلق بدانیم با کلیه وسائل خود و از آنجمله بوسیله رادیوی پیکه ایران که تربیون پر حشیت و نفوذی است پخش کرده‌ایم و از آنجمله اعلامیه مشترک سازمانهای چهارگانه حزب ملت ایران (در خارج)، حزب مردم ایران (در خارج) جمعیت نهضت آزادی ایران (در خارج) و جامعه سوسیالیستهای ایرانی در اروپا را که اخیراً درباره جلسه حقوق بشر در تهران صادر شده است نیز پخش کردیم و در آینده نیز چنین خواهیم کرد. ما پیوسته بر آن بودیم که نیروی ضد رژیم نیروی وسیع ولی پراکنده است. اگر در میان سازمانهای سیاسی، صفوف و اقشار مختلف مبارزه در خارج از کشور و بین خارج و داخل کشور هماهنگی برقرار گردد، رژیم دچار مشکلات جدی خواهد گردید و حداقل آنست که مجبور است از موضع کنونی خود عقب نشینی کند. ما این مطالب صحیح و اصولی را به کرات و مرات گفته‌ایم. بنا آنکه سازمانهای مورد خطاب ما همیشه در قبال این تیکرآت برخورد منفی کردند. ما پیوسته بر آن بوده‌ایم که ادامه تلاش در

### تسلیت

با نهایت تأسف از درگذشت بانو لنگرانی مادر محترمه رفیق ارجمند مصطفی لنگرانی اطلاع حاصل کردیم. بدینوسیله این ضایعه را بر رفیق مصطفی لنگرانی و همه افراد خاندان محترم لنگرانی از صمیم قلب تسلیت میگوئیم.

### خوانندگان ما مینویسند

در جلسه کارگران شهرداری تهران که حکم شده بود همه کارگران در آن شرکت کنند و اشخاصی را که قبلاً تعیین شده بودند انتخاب نمایند، فقط عده کمی شرکت کردند و باینجهت رؤسای شهرداری، ۴۰۰ نفر از کارگران را یک روز جریمه نمودند.

در کارخانه چیت سازی، کارگری را که سگار میکشید تهدید باخراج میکنند. رؤسای کارخانه میگویند ما دستور داده‌اند که کارگر هنگام کار حق ندارد حتی آب و غذا بخورد و سیگار بکشد. اینها همه اکیداً ممنوع است.

در فروشگاه کفش ملی تهران، فروشنده‌ها مجبورند از ساعت ۷ صبح تا ۱۲ و از ۲ بعد از ظهر تا ۱۰ شب و روزهای عید تا ساعت ۱۲ شب کار کنند و فقط روزهای جمعه از ساعت ۳ بعد از ظهر از کار آزاد میشوند و آنوقت، ماهانه فقط ۴۰۰۰ ریال دستزد به آنها داده میشود. در همان کارخانه، امریکائیهانی که معلوم نیست تخصص شان چیست، حقوقهایی از ۶ هزار تومان تا ۱۴ هزار تومان میگیرند.

کارخانه ماشین سازی تبریز به ۲۰۰ نفر کارگر احتیاج داشت. قریب ۳۰۰۰ نفر در مسابقه استخدامی شرکت کردند. ولی ۲۰۰ نفری که قبلاً با پول و پارتی قول استخدام خود را گرفته بودند، استخدام شدند. بین داوطلبان، جوانان دیلمه هم دیده میشدند.

در شهر بروجرد ماهی نیست که چند نفر از کسبه ورشکست نشوند، اغلب کسبه با کمک بانکها سرپا ایستاده‌اند. اگر بانکها اعتباراتی که به پیشه وران داده‌اند، یکجا طلب کنند، اکثر آنها ورشکست خواهند شد. هر بار که بانک جدیدی باز میشود، مدتی با وام اقساطی جلوی ورشکستگی را میگیرد، ولی باز بعثت فقر مردم، بیکاری، مالیاتهای سنگین و عوارض شهرداری، کسبه ورشکست میشوند.

هم اکنون ۱۳ بانک در این شهر مشغول کار است که سود آنها بجز چند سرمایه دار می‌رود. اکنون این چندتن سرمایه دار تصمیم دارند در عوض تأسیس کارخانه، باز هم سینمای جدیدی افتتاح کنند.

در یکی از دهات شمال که بقاطعه پهلوی تعلق دارد ۱۵۰۰ هکتار جنگل را برای برنجکاری بریده‌اند و خواسته‌اند آب آنرا از ده مجاور تأمین کنند، دهقانان ده مجاور متفقاً مقاومت میکنند و مزدوران قاطعه را از

### نامه عده‌ای از زندانیان سیاسی

شکنتجه میشوند. بر خلاف ماده ۵ عده‌ای از زندانیان سیاسی در ۲۰ سال اخیر بقتل رسیده‌اند.

هم اکنون، مانند گذشته زندانیان سیاسی در قزل قلعه و زندان اوین و مرکز سازمان امنیت و شهرهای مسخوفترین محل شکنتجه، باز پرسی و شکنتجه میشوند.

زندانان سیاسی در دادگاههای در بسته نظامی محاکمه و محکوم میشوند و حق ندارند آزادانه از خود دفاع کنند و بر خلاف ماده ۸ حتی حق انتخاب و کیل مدافع را نیز ندارند و مجبورند از بین کسانی که دادگاه تعیین میکند و کیل خود را انتخاب نمایند.

هر وقت که مقامات انتظامی تصمیم بگیرند میتوانند زندانیان را به زندانهای دور دست و نقاط بد آب و هوای کشور تبعید نمایند.

مانند دژ برازجان، زاهدان، بندر عباس خرم آباد، کرمان، اصفهان، قزوین و رجزد اراک، بابل اهواز رضایه و غیره. عده زیادی از زندانیان سیاسی سالهای متمادی است که در این زندانهای دور دست زندانی هستند و بر خلاف ماده ۹ اعلامیه حقوق بشر، اینها بخاطر داشتن عقیده سیاسی محکوم اند که تا آخر عمر در این زندانها انواع و اقسام محرومیت‌ها را تحمل کنند. در ۲۰ سال اخیر، افرادی فقط بخاطر عقیده سیاسی خود محکوم باعدام شده، ده‌ها نفر تیرباران شده‌اند و هم اکنون کسانی در زندانها هستند که از ۹ تا ۲۰ سال است که در بندند.

بخاطر بدی زندانها، نبودن کمکهای طبی و بهداشتی و دیگر محرومیتها تقریباً همه زندانیان سیاسی از بیماریهای گوناگون رنج میبرند. با زندانیان سیاسی خارجی نیز که در ایران زندانی هستند هم‌مطور رفتار میشود و آنها هم با همین محرومیتها سرو هستند.

در نتیجه همین شرایطی که شرح داده شد فقط عده کمی از زندانیان سیاسی قادر هستند که این نامه را امضا کنند.

ما از شما خواهش میکنیم برای گرفتن اطلاعات بیشتر از ما و سایر زندانیان سیاسی قصر، زندان شماره ۳ و ۴ تحقیق نمائید.

ما محرومیتهای زیادی از حد، شکنتجه‌های فراوانی را تحمل کرده‌ایم و از شما و مردم شرافتمند جهان درخواست میکنیم تا از حقوق مردم ایران و زندانیان سیاسی ایران از دمکراسی و حقوق دمکراتیک ما دفاع نمائید. امیدواریم که کنفرانس شما در راه دفاع از اعلامیه حقوق بشر و اجرای آن قرین موفقیت گردد، با احترامات زندانیان سیاسی

ده میرانند، ولی آنها باتفاق سربازان بازمیکردند و مقاومت دهقانان را با رگبار مسلسل خاموش میکنند چند نفر کشته و عده‌ای زخمی میشوند و چند کودک زیر دست و پا له میگردند. اجساد و زخمیها را در کامیون روی هم انباشته و بنقطه نامعلومی برده‌اند.

مناسبت روز اول ژوئن، روز بین المللی کودکان از همه پسران و مادران ایرانی دعوت میکنیم تا با تشدید مبارزه علیه عوامل سیه روزی کودکان، آینده بهروز و تابناک نونهالان خویش را تأمین کنند.

### آخرین دفاع رفیق آصف رزم دیده

در هر صورت بر ما طبقه کارگر مسلم است که ترقی و سعادت ملت و رفاه ملت عزیز ایران فقط در سایه یک رژیم دمکراسی حقیقی و حکومت مردم بر مردم که حزب مامجری و بشمر رساننده آن است مقصور خواهد بود. رژیم دیکتاتوری و سلب اراده و اختیار ملت فقط بضع طبقه حاکمه و بضع ارتجاع و بالاخره بسود و دلخواه امپریالیسم است و پس دست ما را در اداره امور مملکتمان باز بگذارید ما را بی سبب متهم به بیگانه پرستی نکنید. توسعه زندانها و زندانی کردن بی سبب افراد بضع شما و هیچکس نیست. ما عشقی جز وطن و سعادت ملت خوش نداریم. ما میخواهیم وطن ما بتمام معنی و از هر جهت مستقل و آزاد باشد. میخواهیم مداخلات بیگانگان در کشور ما بفر نخوری و بفر عنوان و بهانه‌ای که صورت میگیرد قطع گردد درست توجه کنید در کیفیت کنونی و اوضاع فعلی جهان از این وضع رقت بار که مردم مملکت ما دارند چه کس و چه کسانی سود میبرند، از مشتی مردم گرسنه و بیکار، از مشتی مردم مسلوب الاختیار چه اسراری در کار است که وضع ملت عزیز ما را بچنین نحوه تأسف آوری بکشانند.

بگذارید ملت ما از مزایای آزادی و آزادگی برخوردار باشد. بگذارید ملت در راه استقلال و وطنشان سروخان فدا کنند معجز آثار دمکراسی، انهدام نهضت‌های مترقی و سازمانهای ملی و بالاخره تار و مار کردن هر نوع جنبش که رنگ و سبمای ملی داشته باشد بضع هیچکس نیست بجز امپریالیسم. دیگر عرضی ندارم.